

بررسی حقوق دفاعی متهم در جرایم علیه امنیت (حق دسترسی به وکیل)

رضوان خدامیان

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

چکیده

در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی نیز حق دسترسی به وکیل پذیرفته شده است. کی از مهم‌ترین اهداف قانون، از جرم‌انگاری و تعیین مجازات برای جرایم پیش‌بینی شده، تامین و تضمین نظم و امنیت جامعه است تا افراد، با آگاهی از نتیجه اعمال خود، تمایل به ارتکاب جرم را از دست داده یا در صورت ارتکاب، پس از مجازات، اصلاح شده و دیگر در پی برهم زدن نظم و امنیت کشور و افراد جامعه نباشند. اهمیت امنیت جامعه، خصوصاً در سطح ملی و بین‌المللی، در حدی است که قانون‌گذار، در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، فصل اول آن، جرائم علیه امنیت ملی و جرایم سیاسی و امنیتی را پیش‌بینی نموده و برای آن‌ها، مجازات‌های بسیار سنگینی در نظر گرفته است که گاهی، ناظر بر گرفتن جان مرتکبین است. (ساقیان، ۱۳۹۳ ص ۳۶) با توجه به اینکه، این جرایم، مصادیق مختلفی داشته، ضروری است تا برای تعیین مجازات اقدام علیه امنیت ملی و جرائم امنیتی و سیاسی، از مصادیق این جرایم، مطلع بود. جرائم علیه امنیت ملی و جرایم سیاسی و امنیتی، در کتاب پنجم قانون مجازات، بخش تعزیرات، تعیین و پیش‌بینی شده اند که جاسوسی یا تبلیغ علیه نظام، از جمله مصادیق آن بوده و مرتکب، به تناسب جرم ارتكابی، به مجازات آن جرم، به عنوان مجازات اقدام علیه امنیت ملی محکوم خواهد شد حقوق متهم عبارت است از مجموعه امتیازات و امکاناتی که در یک دادرسی منصفانه از بدو اتهام تا صدور حکم لازم است متهم از آن برخوردار باشد تا بتواند در مقابل ادعایی که برخلاف فرض برائت، علیه او مطرح شده است از خود دفاع کند به طوریکه «دفاع از منافع جامعه نباید منجر به نادیده گرفتن حقوق متهمان گردد و به این سبب مقررات آئین دادرسی کیفری باید به گونه‌ای تنظیم شود که علاوه بر رعایت حقوق جامعه، بی‌گناه را نیز در اثبات بی‌گناهی خود یاری کند» بنظر می‌رسد در قوانین کیفری ایران در قبال جرایم علیه امنیت کشور حقوق دفاعی متهم رعایت نشده است، پیوند تنگاتنگ قوانین کیفری با امنیت ملی برای پیکار با اقدام‌های ضد امنیت داخلی، چهره مرکبی از حقوق کیفری پدید آورده که به واسطه آن، هرچند این قانون‌ها و به ویژه، مقررات شکلی آن افزاری برای بازداشتن دست‌اندازی دولت‌ها به حقوق و آزادی‌های فردی به شمار می‌آید، ولی در همان حال، وسیله‌ای است برای قدرت تا اقدامات سخت‌گیرانه و تدابیر محدودکننده به نفع امنیت ملی را مشروعیت بخشد که می‌توان به محدودیت دسترسی به وکیل را نام برد. قانونگذار ایران بدون ارائه تعریفی از مرحله تحت نظر، صرفاً یک مدت

ثابت، که ۲۴ ساعت میباید را برای همه جرایم تعیین نموده است. ضابطان دادگستری مکلفند حقوق دفاعی متهم یعنی حق اطلاع از موضوع اتهام و ادله آن، حق اطلاع به نزدیکان، حق درخواست معاینه پزشکی را به متهم تفهیم نمایند. در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور و جرایم سازمانیافته با مجازاتهای معین شده در قانون، حق همراهی وکیل برای متهمان مورد شناسایی قرار نگرفته است.

واژه‌های کلیدی: حقوق متهم، حق دسترسی به وکیل، جرایم امنیتی، عدالت کیفری

مقدمه:

در اعلامیه جهانی حقوق بشر به مواردی از قبیل منع تبعیض (ماده ۲) تساوی در برابر قانون (ماده ۷) منع شکنجه و حق برخورداری از دادگاه مستقل و بی طرف و برخورداری از محاکمه منصفانه و علنی (ماده ۱۰) اشاره شده است که جزء حقوق همه انسان‌ها و نیز متهم می‌باشد. (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۵؛ ص ۳۰) بر اساس ماده ۷ آیین دادرسی کیفری در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۵/۸ محکوم میشوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد (مهدوی پور، ۱۳۹۶؛ ص ۴۵) رعایت حقوق شهروندی متهم در قانون جدید آیین دادرسی کیفری بسیار پررنگ است، شهروندی متهم در قانون آیین دادرسی کیفری بسیار پررنگ است، ماده ۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌کند؛ به محض آنکه متهم تحت نظر قرار گرفت، حداکثر ظرف یک ساعت، مشخص سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن وی، به هر طریق ممکن، به دادسرای محل اعلام شود (خالقی، ۱۳۹۵؛ ص ۲۴) در ماده ۵۰ این قانون مقرر شده است که چنانچه شخصی تحت نظر است در مظان اتهام جرم قرار گرفته اگر در دادگاه مشخص شود که فرد مذکور مجرم نیست قرار مجرمیت در این قانون تبدیل به قرار جلب دادرسی شده و دادسرا حق ندارد فرد را مجرم خطاب کند چراکه مطابق قانون اساسی اصل بر براءت است. دادستان هر شهرستان با درج مشخصات مزبور در دفتر مخصوص و رایانه، با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی، نظارت لازم را برای رعایت حقوق این افراد اعمال می‌کند و فهرست کامل آنان را در پایان هر روز به رئیس کل دادگستری استان مربوط اعلام می‌کند تا به همان نحو ثبت شود. والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر این اشخاص می‌توانند از طریق مراجع مزبور از تحت نظر بودن آنان اطلاع یابند و پاسخگویی به بستگان درباره تحت نظر قرار گرفتن متهم تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد، ضروری است. شخص تحت نظر می‌تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه بنا بر ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند که در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند. (رستمی غازی، ۱۳۹۶؛ ص ۱۴) فردی که توسط پلیس دستگیر می‌شود در جهت رعایت حقوق متهم باید اجازه داشته باشند با خانواده اش تماس گرفته و موضوع را به آنها اطلاع دهد. توجه داشته باشید که متهم مجرم نیست و نباید حقوق او پایمال شود. در تحقیقات مقدماتی حق نداریم متهم را مجرم خطاب قرار دهیم. در قانون جدید دادرسی قرار مجرمیت دادسرا به قرار جلب دادرسی تغییر پیدا کرده است و باز پرس حق ندارد نام او را مجرم بگذارد. همچنین اگر بعضی از سوی ضابطین دستگیر شد ضابطان باید یک ساعت بعد موضوع را به قاضی کشیک یا دادستان اطلاع دهند. وکیل هم پس از تحت نظر قرار گرفتن متهم به عنوان مشاوره می‌تواند در پرونده ورود پیدا کند. (سلیمیان، ۱۳۹۴؛ ص ۳۴). حفظ نظم و امنیت، مبارزه با بزهکاری و پیشگیری از وقوع جرائم که در راس برنامه های اجرایی هیات حاکمه است دو موضوع مهم و کلی را مطرح می‌کند. یکی تدوین قوانین جزایی و مجازات مجرمین برای ایجاد رعب و ترس در دیگران و متنبه نمودن بزهکاران و دیگری اجرای برنامه های اجتماعی برای از بین بردن عوامل جرم زا به منظور پیشگیری از بزهکاری است. (مجیدی، ۱۳۹۴؛ ص ۱۶۲) در تدوین قوانین (اعم از ماهوی و شکلی) ضمن توجه به حقوق داخلی باید اسناد بین المللی بویژه حقوق متهم لحاظ گردد. حمایت از حقوق متهم در دادرسی کیفری با لحاظ مقررات بین المللی در حقیقت تضمین رعایت

حقوق طبیعی متهم خصوصاً حق حیات و آزادی ایشان است. در زمینه حقوق متهم در جرایم امنیت داخلی چالش های جدی وجود دارد، به عنوان مثال کشورها با به رسمیت شناختن حق دسترسی به وکیل در مرحله پیشا دادرسی کوشیده‌اند تا به این حق؛ به مثابه یکی از جلوه‌های بارز دادرسی عادلانه، عینیت بخشیده و جایگاه آن را در فرایند دادرسی کیفری مستحکم سازند. اگرچه در حقوق ایران این حق تاکنون دستخوش تحولات فراوانی قرار گرفته و همواره قانون‌گذار در شناسایی کامل آن، به دیده تردید نگریسته است. اما این حق در جرایم عادی به رسمیت شناخته شد. البته در اصلاحات ۱۳۹۴، محدودیت در نظر گرفته شده از این فراتر رفت و با نقض حق دسترسی به وکیل مستقل (تبصره ماده ۴۸) در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و نیز جرایم سازمان‌یافته، محدودیت بحث‌برانگیز دیگری وارد سنت حقوقی- قضایی ایران شد، مهمترین سوالی که به دنبال پاسخگویی آن هستیم این است که حقوق دفاعی متهم در جرایم علیه امنیت داخلی در حقوق ایران چه جایگاهی دارد؟

در سال‌های اخیر، کشورها با به رسمیت شناختن حق دسترسی به وکیل در مرحله پیش‌دادرسی کوشیده‌اند تا به این حق، عینیت بخشیده و جایگاه آن را در فرایند دادرسی کیفری مستحکم سازند. چنین حقی در حقوق ایران دستخوش تغییراتی قرار گرفته و تاکنون قانونگذار در شناسایی کامل آن در مرحله پیش‌دادرسی، به دیده تردید نگریسته است. اما خوشبختانه در ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به رغم وجود برخی محدودیت‌ها (محدودیت زمانی یک ساعته)، این حق در جرایم عادی به رسمیت شناخته شد. البته در اصلاحات ۱۳۹۴، محدودیت در نظر گرفته‌شده از این فراتر رفت و با نقض حق دسترسی به وکیل خویش انتخاب (تبصره ماده ۴۸) در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و نیز جرایم سازمان‌یافته، محدودیت دیگری وارد سنت حقوقی- قضایی ایران شد.

گفتار اول: مفهوم متهم

الف: مفهوم متهم از لحاظ لغوی و اصطلاحی

متهم به فتح « ت » بدنام شده و تهمت زده شده، کسی که مورد تهمت قرار گرفته، معنی شده است (دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، ص ۲۸۳). به عبارت دیگر متهم، کسی که فاعل تلقی شده ولی هنوز انتساب جرم او محرز نشده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷، ص ۲۱ و ۲۱۶).

ب: مفهوم متهم در حقوق جزا

در حقوق جزا متهم به کسی اطلاق می شود که بر او کار مجرمانه ای برود ولی هنوز ثابت نشده که آن کار مجرمانه را او انجام داده است و اثبات اتهام و گناهکار بودن او نیز به عهده کسی است که او را متهم کرده است و این طور نیست که متهم خودش مکلف به اثبات بی گناهی خود باشد. زیرا هم در قوانین بین المللی مورد پذیرش ایران مثل اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و هم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل بر این است که همه بی گناه هستند مگر کسی که طبق قانون و با دلایلی که قانون آنها را معتبر می داند و در یک دادگاه عادلانه بی طرف گناهکاری او اثبات گردد.

(ماده ۱۱ - ۱ اعلامیه حقوق بشر، ماده ۱۴ - ۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، اصل ۳۷ قانون اساسی)

ج: مفهوم متهم و اهمیت آن در آیین دادرسی کیفری

متهم مهمترین عنصر در دادرسی های جزایی است اساساً تمام ماجراهای حزن انگیز دادرسی کیفری به خاطر انسانی است که ما او را متهم می نامیم و فلسفه پیدایش آیین دادرسی کیفری به خاطر اوست، اگر متهم وجود نداشت (جرم)، اصلاً حقوق جزا به وجود نمی آمد (آخوندی، ۱۳۸۷؛ ص ۵۰) باید کسانیکه بوسیله پلیس و سایر مأمورین انتظامی بازداشت می شوند تا وقتی که محاکمه نشده اند و حکم قطعی در مورد آنها صادر نشده است، به نام « متهم » نامیده شوند و فرض بر این است که او در دادگاه تبرئه می شود و بر این اساس با او رفتار گردد و او باید از حمایت فردی برخوردار باشد (ماده ۸۴ مقررات مصوب کنفرانس سازمان ملل متحد (ژنو - ۱۹۵۵) درباره حداقل رفتار با زندانیان به منظور مبارزه با جرم و چگونگی رفتار با زندانیان). باید توجه داشت که شرط اصلی تحقق جرم، تنها ارتکاب عمل برخلاف نظم اجتماعی نیست بلکه پدیده جزایی ناظر به عمل ضد اجتماعی است که در قانون برای آن مجازات پیش بینی شده است (نورپها، ۱۳۸۱؛ ص ۱۷۳).

اصول و قواعد فلسفی و اخلاقی و قوانین دادرسی کیفری در کشورهای مختلف در ادوار متفاوت است در هر کشور و یا جامعه ای مقررات مربوط به شیوه دادرسی ملهم از ویژگی های فرهنگی سیاسی و مذهبی، اقتصادی و اجتماعی، وضعیت جغرافیایی و حتی آداب و سنن تاریخی و ملی می باشد که خاص آن جامعه یا آن ملت می باشد و با این وصف شباهت های زیادی میان نظام های دادرسی وجود دارد.

تمام مکاتب جزایی، نظام های دادرسی کیفری اعم از اتهامی، تفتیشی، فرانسوی (مختلط) و اسلامی همه اینها در لزوم محاکمه کردن متحد هستند، همگی می گویند باید محاکمه کرد، اما اختلاف بر سر چگونگی محاکمه است، در روش محاکمه کردن اختلاف است اما در خود محاکمه اختلافی نیست (آخوندی، ۱۳۸۷؛ ص ۵۰)

از آنجایی که تأمین منافع متهم و حفظ مصالح اجتماعی از مهمترین اهداف قوانین آیین دادرسی کیفری است دستیابی به چنین اهدافی در هر دوره از زمان سبب پذیرش برخی قواعد در دادرسی کیفری می گردیده است؛ بنابراین از نظر اصول و مبانی می توان گفت که بین بعضی از سیستم های مختلف دادرسی کیفری وجوه تشابه و تجانس وجود دارد.

گفتار دوم: منابع داخلی حقوق متهم

علمای حقوق برای قواعد آیین دادرسی کیفری چهار منبع مهم ذکر کرده اند که عبارتند از: قانون، عرف و عادت، رویه قضایی و دکترین. برخی از علمای حقوق جزا منبع دیگری از قبیل اصول کلی حقوقی و آرمانهای سیاسی و اجتماعی را نیز از منابع قواعد حقوقی به شمار آورده اند.

نویسندگان قانون اساسی ایران منابع و فتاوی معتبر اسلامی را در طول قوانین مدون از مأخذ قواعد حقوقی محسوب کرده اند. بنابراین منابع داخلی آیین دادرسی کیفری در جمهوری اسلامی ایران را می توان به شرح ذیل احصاء نمود:

الف: - قانون اساسی

اندیشمندان درباره موضوعاتی چون جامعه، دولت و حکومت، ذهن بشر را از همان ادوار باستانی به خود مشغول داشته است. متفکران و فیلسوفان در پی یافتن بهترین شیوه های حکومت و اصول بر جامعه آرمانی با مدینه فاضله، بخش مهمی از تلاش های خود را بکار گرفته اند (قاضی، ۱۳۶۸ ص ۲) قانون اساسی، از یک سو، حدود آزادی فرد را در برابر عملکرد قدرت و از سوی دیگر حد و مرز اعمال تشکیلات حاکم را در برخورد با حوزه حقوق فردی رسم می نماید؛

در کشورهای دموکراتیک جهان، قوانین همواره به عنوان تضمین حقوق و آزادی های عمومی در برابر دولت تلقی شده اند و افکار عمومی آن را ابزار محدودیت قدرت دولت و یک عامل مهم تضمین حقوق و آزادی به شمار می آورد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در همه پرسه مورخه ۱۱ و ۱۲ آذرماه ۱۳۵۸ به تصویب رسید و در تاریخ ۱/۱۱/۱۳۵۸ در روزنامه رسمی منتشر شد، در سال ۱۳۶۸ بازنگری گردید. از جمله اصول مندرج در قانون اساسی که از منابع داخلی حقوق افراد در جریان دادرسی می باشد عبارتند از:

الف) تأمین حقوق همه جانبه افراد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون (بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی).

ب) حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز می کند (اصل ۲۳ قانون اساسی).

پ) تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد (اصل ۲۳ قانون اساسی).

ت) آزادی نشریات و مطبوعات در بیان مطالب (اصل ۲۴ قانون اساسی).

ث) بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون (اصل ۲۵ قانون اساسی).

ج) منع دستگیری خود سرانه و تفهیم اتهام به متهم با ذکر دلیل و ارسال به موقع پرونده به مراجع قضایی (اصل ۳۲ قانون اساسی).

چ) حق دادخواهی و مراجعه به دادگاه صالح (اصل ۳۴ قانون اساسی).

ح) حق داشتن وکیل (اصل ۳۵ قانون اساسی).

خ) اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها (اصل ۳۶ قانون اساسی).

د) اصل برائت (اصل ۳۷ قانون اساسی).

ذ) ممنوع بودن شکنجه و بی اعتباری اقرار، شهادت و سوگند ناشی از آن (اصل ۳۸ قانون اساسی).

ر) ممنوعیت هتک حرمت و حیثیت متهم (اصل ۳۹ قانون اساسی).

ز) اصل علتی بودن محاکمات (اصل ۶۵ قانون اساسی).

س) مستدل و مستند بودن احکام دادگاه ها با قوانین (اصل ۱۶۶ قانون اساسی). ش) حضور هیأت منصفه در جرایم سیاسی و مطبوعاتی (اصل ۱۶۸ قانون اساسی).

ص) عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی (اصل ۱۶۹ قانون اساسی).

ب - آیین دادرسی کیفری

بدون شک در جوامع متمدن فعلی، قانون مهمترین و اساسی ترین منبع قواعد دادرسی کیفری است. در این قلمرو منظور از قانون، مصوبات قوه مقننه است که با تشریفات خاص وضع و توشیح در روزنامه رسمی منتشر می شود. به نوشته مورخان، بیشتر اسناد و مدارک به دادرسی های کیفری ایران پیش از اسلام بر اثر استیلای اسکندر و عرب و ایلغار و تاتار از بین رفته است، در نتیجه از کیفیت دادرسی آن زمان، اطلاع دقیق و موثقی در دست نیست از آثار و اسناد باقی مانده و سنگ نوشته

های بدست آمده چنین برمی آید که سلاطین باستان برای دادگستری اهمیت خاصی قائل بودند و به استقرار و اجرای عدل و داد همت می گماشتند؛ زیرا به خوبی می دانستند که تامین عدالت در کشور برای دوام و بقاء حکومت ضرورت دارد. « نخستین دودمان پادشاهان باستانی ایران را از آن رو پیشدادیان نامبرده اند که در وضع قانون و گسترش عدل و داد پیشقدم بوده اند. در اوستا هر جا از هوشنگ نام برده شد با وصف «پر» به معنی پیش و «دات» به معنی داد ترکیب شده است. به عبارت دیگر پیشداد یا نخستین قانونگذار. پس از مجموعه قوانین «اشنونا» و «سورنومو» و «نسه» و «هانی» و «انا تیشو» یکی از کهن ترین قوانین موجود بشری که گذشت قانون حمورابی است (علی پاشا، ۱۳۸۳؛ ص ۱۲۳).

همچنین به گزارش وقایع نگاران مسلمان، نخستین ارتباط ایران با اسلام با ارسال نامه ای از سوی پیامبر اعظم به خسرو پرویز آغاز شد. چند سال بعد. در پی شکست ارتش ایران از سپاه عرب، نظام حقوقی حاکم در ایران (شریعت زرتشتی که با نظام حکومتی یگانگی داشت)، به عنوان آیین مجوس و کفر (گبر) از حوزه زندگانی ایرانیان حذف شد و به تدریج نظام شریعت اسلامی جایگزین کیش زرتشتی شد و قضاوت شرع به جای موبدان زرتشتی به رسیدگی به دعاوی پرداختند. دلیل عمده گرایش ایرانیان به اسلام، پیام برابری و برداری و رفع امتیازات و تبعیضات طبقاتی بود. در تاریخ حقوق قضایی اسلام پیامبر نخستین قاضی و داور میان مسلمانان بلکه گاه غیر مسلمانان بوده است.

نظام حقوقی و ساختار قضایی ایران در عصر قاجار ادامه شالوده ای بود که صفویان بنا نهاده و با تغییر مذهب رسمی ایران از فقه اهل سنت به فقه شیعه امامیه، تحولی شگرف در جو فرهنگی و حقوقی ایران پدید آوردند. رسمی شدن فقه امامیه و تفکیک صلاحیت دوگانه شرع و عرف از دوران صفوی به بعد در ایران ادامه یافت. لذا نهاد دادرسی در ایران پس از قتل نادر در ۱۱۶۰ ق / ۱۷۴۷ م تا انقلاب مشروطیت در ۱۳۲۴ ق / ۱۹۰۶ م بر پایه تفکیک صلاحیت های شرع و عرف استوار بود بدین گونه، نظام قضایی عصر قاجار تا پیش از انقلاب مشروطیت، ادامه نظام عصر صفوی مضاف به انحطاطی چند بود که بدتر از همه تضعیف صلاحیت های مراجع قضایی ایرانی بطور عام به دلیل کاپیتولاسیون از یک سو و فروپاشی نظام دادرسی عرفی متمرکز عصر صفوی زیر نظر دیوان بیگی (دادرسی عرفی) از سوی دیگر بود (پروفسور امین، ۱۳۸۲؛ ص ۲۰۰ و ۴۶۰).

از تاریخ تسخیر ایران بدست قوای اسلام تا تدوین قانون اساسی اصول محاکمات جزایی که به سال ۱۳۳۰ هجری قمری صورت گرفت یعنی نزدیک به ۱۳ قرن می بایست تنها احکام و دستورات کیفری شریعت اسلام در میهن عزیز ما حاکم و لازم الاجرا باشد.

قانون اصول محاکمات جزایی در ۹ رمضان ۱۳۳۰ ه. ق مطابق با ۱۵ شهریور ۱۲۹۰ ه ش نخستین قانون آیین دادرسی کیفری تحت عنوان «قانون موقت اصول محاکمات جزایی» به تصویب کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی رسید و تحول بزرگی در زمینه دادرسی های کیفری به وجود آورد. این قانون مشتمل بر ۵۶ ماده بود که به یک مقدمه و ۶ باب تقسیم شده بود و هر باب به چند فصل و هر فصل محتوی چند مبحث بود.

در ۱۰ خرداد ماه سال ۱۳۱۱ قانونی تحت عنوان «قانون اصلاح اصول محاکمات جزایی» در بعضی از اصول و مقررات قانون اصل محاکمات جزایی تغییراتی بوجود آورد در سال ۱۳۳۵ و ۱۳۷۷ اصلاحات و تغییرات مهمی به موجب قانون اجازه لوایح پیشنهادی وزارت دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری به عمل آمد از جمله آن اصلاحات مواد ۸ تا ۱۶۲ می باشد. مواد اضافی به قانون آیین دادرسی کیفری که مشتمل بر ۶ ماده و دارای اهمیت فوق العاده بود نیز در همان سال به تصویب رسید که ماده ۳ آن به قانون ایجاد وحدت رویه معروف است و بالاخره در سال ۱۳۵۶ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری به تصویب رسید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فکر جایگزین کردن مقررات موجود و انطباق قوانین با شرع، اهمیت ویژه‌ای یافت و اصل ۴ قانون اساسی در راستای اسلامی کردن قوانین مقرر می‌دارد: « کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد، این اصل بر اطلاق با عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان می‌باشد » با توجه به مخالفت‌های شورای نگهبان نسبت به اجرای قانون مصوب ۱۳۹۰ و در راستای اهداف این اصل اصلاحات و دگرگونی‌های چندی در قوانین و مقررات دادرسی کیفری صورت گرفت.

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مشتمل بر ۳۰۸ ماده و هشتاد و چهار تبصره طبق اصل ۸۵ قانون اساسی در جلسه روز یکشنبه مورخ ۲۸ / ۶ / ۱۳۷۸ کمیسیون امور قضایی و حقوقی فی مجلس تصویب و در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۲۲ فروردین ماه ۱۳۷۸ با سه سال اجرای آزمایشی آن موافقت و در تاریخ ۳۱ / ۶ / ۱۳۷۸ به تأیید شورای نگهبان رسید و در آخرین ماده آن، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ و اصلاحات بعدی و همچنین کلیه مقررات و قوانین مغایر با آن لغو گردید (نوربها، ۱۳۸۳؛ ص ۱۱۱).

قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی که ابتدائاً بصورت بخش نامه از سوی ریاست قوه قضائیه مطرح شد و در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۳ به تأیید شورای نگهبان رسید، مشتمل بر ۱۵ ماده می‌باشد.

اهم قوانین عادی داخلی که جزء منابع آیین دادرسی کیفری می‌باشد به شرح ذیل است:

الف: قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶.

ب: قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳.

پ: قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸.

ت: قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹.

ث: قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱.

ج: قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۱ / ۲ / ۱۵.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با تأثیرپذیری از الگوی جهانی دادرسی عادلانه و استفاده از مطالعات تطبیقی با اتخاذ رویکردهای نوین از نظام دادرسی تفتیشی در مرحله تحقیقات مقدماتی فاصله گرفته است. در این میان، مقررات ناظر به حقوق دفاعی متهم، تحولات مهمی داشته و توجه و حمایت از او از همان آغاز فرایند کیفری (مرحله کشف جرم) مورد نظر قانونگذار قرار گرفته است. حق ملاقات با وکیل و پزشک و تماس تلفنی با بستگان در مرحله دخالت ضابطان دادگستری از جمله حقوق متهم در این مرحله است. همچنین، حقوق متهم در تحقیقات مقدماتی به مفهوم خاص (یعنی نزد بازپرس) به طور کامل متحول شده است. ترافیکی کردن امر تحقیق و دادن امکان برابر به همه طرف‌های دعوا از هدف‌های مهم قانونگذار در این قانون بوده است. ب هطور کلی، این نوآوری‌ها را می‌توان در دو محور تقویت حقوق دفاعی (توازن میان نفع و مصلحت عمومی و نفع و مصلحت متهم) و کاهش موارد لطمه به آزادی وی قرار داد.

پ-قوانین جزایی:

در قوانین جزایی نیز شرایط مساعد به حال متهم در مواد مختلفی پیش بینی شده است منجمله ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ که در خصوص تخفیف مجازات و معافیت از آن قانونگذار در مجازات تعزیری به نحوی که به حال متهم مناسب تر باشد بیان نموده است.

متن ماده ۳۷ «در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب تر باشد به شرح ذیل تقلیل یا تبدیل کند.

الف- تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه.

ب- تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار.

پ- تبدیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال.

ت- تقلیل سایر مجازات های تعزیری به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر.

همچنین قانونگذار در ماده ۴۰ همین قانون شرایط مساعدی را برای متهم پیش بینی نموده است که در صورت وجود این شرایط دادگاه می تواند صدور حکم را پس از مجرمیت متهم به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد.

متن ماده ۴۰ «در جرائم موجب تعزیر درجه شش تا هشت دادگاه می تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد:

الف- وجود جهات تخفیف

ب- پیش بینی اصلاح مرتکب

پ- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران

ت- فقدان سابقه کیفری موثر

که نحوه تعویق صدور حکم مجازات طبق ماده ۴۱ قانون موصوف به شکل ساده یا مراقبتی احصاء شده است.

متن ماده ۴۱ «تعویق به شکل ساده یا مراقبتی است.

الف- در تعویق ساده مرتکب به طور کتبی متعهد می گردد در مدت تعیین شده به وسیله دادگاه مرتکب جرمی نشود و از نحوه رفتار وی پیش بینی شود که در آینده نیز مرتکب جرم نمی شود.

ب- در تعویق مراقبتی علاوه بر شرایط تعویق ساده، مرتکب متعهد می گردد دستورها و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه را در مدت تعویق رعایت کند یا به موقع اجرا گذارد.

تبصره ۱- دادگاه نمی تواند قرار تعویق صدور حکم را به صورت غیابی صادر کند.

تبصره ۲- چنانچه متهم در بازداشت باشد، دادگاه پس از صدور قرار تعویق صدور حکم، بلافاصله دستور آزادی وی را صادر می نماید. دادگاه می تواند در این مورد تامین مناسب اخذ نماید. در هر صورت اخذ تامین نباید به بازداشت مرتکب منتهی گردد.

از جمله مواد قانونی دیگری که قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ شرایط مساعدی را به نفع متهم پیش بینی نموده است مواد ۴۶ و ۴۸ از فصل ششم تعلیق اجرای مجازات می باشد که با ذکر متن آن این شرایط روشن می شود.

متن ماده ۴۶ «در جرائم تعزیری درجه سه تا هشت دادگاه می تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید».

دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از تحمل اجرای یک سوم مجازات می تواند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می تواند پس از یک سوم مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید.

متن ماده ۴۸ «تعلیق مجازات با رعایت مقررات مندرج در تعویق صدور حکم، ممکن است به طور ساده یا مراقبتی باشد». حال در اینجا ممکن است این سوال مطرح شود که بحث موضوع ما در مورد شرایط مساعد به حال متهم است نه محکوم علیه در مواد ۴۶ و ۴۸ و مواد دیگر قانون مجازات اسلامی بیان شده است ولی باید گفت کلمه متهم مفهوم مصداقی فرد مرتکب جرم تعزیری می باشد که در مرحله دادرسی به چونین شخصی متهم و در مرحله دادگاه پس از صدور حکم محکومیت محکوم علیه گفته می شود که قانونگذار ما شرایط مساعدی را در هر مرحله در قوانین کیفری یعنی مقررات آئین دادرسی کیفری و قوانین جزایی پیش بینی نموده است که شرح و بحث آنها به تفصیل بیان شد.

گفتار سوم - سایر منابع

حقوق اسلام که از منبع وحی سرچشمه گرفته است و قواعد آن چهره الهی و فطری دارد و بیشتر کوشش حقوقدانان اسلامی مصروف به شناختن منظور شارع و استنباط نظر واقعی اوست که شرع مقدس اسلام، بخش عمده قواعد حقوق را به صورت امضایی، که عادات و رسوم متداول مردم و احکام ادیان سابق را امضاء و تأیید کرده است. همچنین فقها در استنباط فروع و احکام از دیگر مکاتب نیز استفاده کرده اند یا با این وجود در حقوق اسلام، احکام تاسیسی و نو در کنار احکام امضائی جهت اداره جامعه بوجود آمده است

علاوه بر منابع قانونی (قانون اساسی و قوانین عادی) منابع دیگری در آیین دادرسی کیفری که جنبه ارشادی و مکمل دارند، موجود است، که در عمل ممکن است راه گشای مراجع قضایی در تصمیمات باشند، منابع اسلامی است. طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.» اصل مزبور به قضات اجازه داده است هر گاه حکم دعوا را در قوانین مدون نیافتند با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نمایند. منظور از منابع فقهی نزد امامیه: قرآن و سنت و اجماع و عقل می باشد که به ادله استنباط احکام و یا منابع اجتهاد و نیز منابع حقوق اسلامی شهرت دارد.

البته مقصود از یافتن حکم در موارد سکوت قانون یعنی مواردی که قانونگذار فعل یا ترک فعلی را جرم شناخته و مجازات برای آن مقرر نکرده است، این نیست که اگر قاضی به استناد منابع فقهی معتبر فعل یا ترک فعلی را جرم شناخت حکم به مجازات متهم صادر کند، زیرا اصل ۳۶ قانون اساسی و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مانع از آن است که قاضی بتواند برای فعل یا ترک فعلی که در قوانین موضوعه کشور جرم شناخته نشده و برای آن مجازات تعیین نکرده در منابع فقهی و یا فتاوی معتبر حکمی بیابد بویژه آنکه در دلالت اصل ۱۶۷ نیز الزام دادگاه های کیفری فقط در این است که از رسیدگی به شکایات و دعاوی و صدور حکم امتناع نورزد، نه تعیین کیفر برای فعل یا ترک فعلی که در مقررات جزایی جرم محسوب نشده است که در این قبیل موارد، دادگاه های کیفری موظفند به استناد اصل برائت حکم به بی گناهی صادر نمایند (اردبیلی، ۱۳۸۱؛ ص ۱۴۲) لذا با عنایت به موارد پیش گفته به اختصار توصیف آن ارائه می شود:

الف) قرآن: هر اهل تحقیق منصفی اگر به چند آیه قرآن و درک مفاهیم آن التفات کند پی به شگفتی قرآن می برد که چگونه در قرنهای قبل که بشر هنوز به تمدن و فرهنگ و علم و دانش مسلح نشده از حقوق و کرامت انسانها سخن گفته است آیات زیادی در ارتباط با حقوق انسانها بوسیله خداوند توصیف شده است قرآن دارای ۳۰ جزء ۱۱۴ سوره و بیش از ۶۰۰۰ (۶۱۷۰) آیه (۶۲۳۶) آیه می باشد (محمدی، ۱۳۷۷؛ ص ۳۸).

در بعضی از آیات قرآن کریم به حقوق انسانها و آزادی و مساوات و احترام توجه خاص شده است. بطور مثال خداوند متعال می فرماید:

سوره نساء آیه ۵۸ « و اذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ اَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ » در دادرسی میان مردم باید مساوات را رعایت نمود.

سوره نحل آیه ۹۰ « اِنَّ اللّٰهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ » خداوند به عدل و دادگستری فرمان می دهد.

ب) سنت: گفتار یا کردار و تقریر معصوم (ع) در امور شرعی را سنت می گویند

ج) اجماع: هر گاه تمام مجتهدان برای امری اتفاق نظر کنند نظر آنان از احکام دینی است و اتفاق آنجماعتی است که کاشف از رای معصوم باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶؛ ص ۱۱۶)

عقل: در مذهب امامیه عقل یا دلایل عقلی منبع چهارم حقوق است و مقصود از آن:

احکام عقلی است از راه دانستن آنها حکم شرع معلوم می شود و بدون دخالت شرع آن را مستقلات عقلی می گویند. در احکام عقلی که از اوامر و نواهی شرع استنباط می شود مانند مفاهیم (موافق، مخالف) استلزامات عقلی است که با این وصف یکی از دلایل اصول و مقررات قانون آیین دادرسی کیفری که نشأت گرفته از منابع فقهی به وصف فوق می باشد که در جهت حمایت از متهم، اجمالاً به شرح زیر بیان می گردد:

(۱) - قاعده حب یا عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی اسلام: در آیات متعدد قرآن کریم و همچنین احادیث منقول از رسول اکرم (ص) قاعده قبح عقاب بلا بیان و اصله الا باحه (اسراء. ۱۵) به دست می آید و به موجب احکام منبعث از آیات قرآن کریم به صراحت از گناهان و جرایم افراد مردم قبل از تشرف به دین اسلام که بدان مرتکب شده از آن چشم پوشی می نماید... یعنی مردم نسبت به آنچه نمی دانند در آسایش و گشایش هستند که این ها دلیلی بر صحت و اعتبار قاعده « حب » به شمار می آید.

(۲) قاعده البینه علی المدعی و المین علی من انکر: بدین وصف که ارائه دلیل و بینه در بزه انتسابی به متهم به عهده مدعی (شاکی) است هم بر منکر است و به عبارت دیگر اگر متهم منکر بزه انتسابی شود با اتیان سوگند از اتهام مبرا می شود. بنابراین قاعده ی فوق مدلول و منطوق حدیث نبوی به همین مضمون است که « قاعده بینه » معروف به قواعد اساسی در خصوص آیین دادرسی کیفری اسلام است که اثبات ادعای اقامه دلیل علی القاعده بر دوش و عهده مدعی است یعنی به تعبیری الابینه؛ الاثبات خلاف الظاهر و الیمین: بینه به منظور اثبات خلاف ظاهر و سوگند برای بقای اصل است (تاج میری، ۱۳۷۷؛ ص ۷۱ و ۷۲).

اما آنچه مسلم است، این قاعده بیشتر در عرصه دعاوی مدنی و آیین دادرسی مربوط به آن مورد توجه واقع شده است. قوانین جزایی و مقررات آیین دادرسی کیفری در بسیاری از کشورها در این باب سکوت اختیار کرده اند. در عین حال، در قوانین برخی از کشورها احکام خاصی راجع به کاربرد این قاعده در دادرسیهای کیفری به چشم می خورد. به عنوان مثال در قانون جزای قدیم آلمان مصوب ۱۸۰۵ طی مواد ۳۶۷ و ۳۶۳ حکمی به این مضمون وضع شده بود: « کسی که ارتکاب جرمی از ناحیه او محرز شود، استحقاق مجازت را دارد مگر اینکه عدم استحقاق او به اثبات رسد» و «اثبات آن در هر حال برعهده کسی است که

از اثبات واقعه منتفع می شود» (فلتچر^۱؛ ص ۸۹۹ به نقل از: احمد طه، ۲۰۰۳؛ ص ۱۸) این مقررات قانونی به وضوح دلالت بر آن دارد که تکلیف اثبات شرایط مساعد برعهده متهم است. در ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری سوئیس آمده است: «قاضی تحقیق در جهت اجرای عدالت و انجام کامل تحقیقات بایستی به بازجویی از متهم و تحصیل اطلاعات خاص مربوط به زمان وقوع جرم و شرایط شخصی مجرم اکتفا نکند، بلکه باید جهات و شرایطی را نیز که موثر بر عدم مجازات و مساعد به حال وی اند، گردآوری کند» (ضیاء الدین خلیل، ص ۱۸۱، به نقل از احمد طه، ۲۰۰۳؛ ص ۱۷). ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری سابق در کشور ما نیز در بردارنده چنین حکمی بود. به موجب ماده مزبور: «مستنتق باید با کمال بی غرضی تحقیقات را نموده، در کشف اوضاع واحوالی که برنفع متهم است فرقی نگذارد». چنان که ملاحظه می شود طبق ضوابط قانونی یاد شده، تکلیف اثبات شرایط مساعد به حال متهم به طور ضمنی برعهده قاضی تحقیق و مستنتق قرار داده شده است و از این حیث تکلیفی متوجه متهم نیست

(۳) قاعده ضرورت و اضطرار (الضرورات تبيح المحظورات): از قواعد مسلمه بین فریقین به شمار می آید و مستفاد از امثال این روایت: «ما من شیئی حرمه الله الا و قد احله لمن اضطراليه و اصل ماخذ آیه کریمه الا ما اضطر رتم الیه و من غیر باغ»، زیرا بقاء حرمت مال غیر و حرمت اکل بنیه مستلزم تلف نفس محترم خواهد بود و به این لحاظ حرمت مرتفع و تناول طعام غیر بدون اذن او جایز است، نهایت آن به عهده اوست و به همین قاعده راجع می شود قاعده الضرورت تتقدر بقدرها و مرجع این قواعد، قاعده لاضرر و لاضرار می باشد (استاد عبده، ۱۳۸۱؛ ص ۴) در حقوق اسلام ضرورت و اضطرار به استناد آیات متعدد از قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) به عنوان رافع مسوولیت کیفری با توجه به شرایط و اوصاف آن محسوب شده است، به عنوان مثال، قرآن کریم می فرماید آنها حرم علیکم المیتة و الدم الخنزیز و ما اهلّ به لغیر الله فمن اضطرّ غیر باغ و لاعاد فلاثم ان الله غفور رحیم (بقره آیه ۱۷۳): یعنی به تحقیق، خداوند حرام گردانیده است بر شما مردار و خون و گوشت خوک را و هر ذبیحه ای را که بنام غیر خدا کشته باشند. سپس هر کسی که به خوردن آن مضطر و ناچار شود بی آنکه قصد تجاوز و تعدی از حکم خدا را داشته باشد (بدون تمایل و به قدر ضرورت مصرف کند) گناهی بر او نخواهد بود که خداوند آموزنده و مهربان است. همچنین سوره مبارکه مائده آیه ۳ (فمن اضطر فی مخصه غیر متجانف لائم فان الله غفور رحیم) نیز بر قاعده مسوولیت شخصی مضطر اشاره و به آن تاکید می نماید.

الف- رویه قضایی؛ یکی از منابع آیین دادرسی کیفری رویه قضایی می باشد آراء وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری که در حکم قانون است و مراجع قضایی در موارد مشابه ملزم به رعایت آنها هستند.

ب- عرف و عادت؛ مجموع عادت و رسوم رایج بین مردم است عرف و عادت مسلم ممکن است در حقوق خصوصی برای تکمیل و رفع نقص قانون به عنوان یک قاعده حقوقی مورد استفاده قرار گیرد و بطور کلی اصول قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی مراجع قضایی را مکلف می نماید که قانون را اساس رسیدگی و صدور حکم قرار دهند «در قلمرو آیین دادرسی کیفری عرف و عادت نقش مهمی ندارد و از منابع مستقیم قواعد حقوقی به شمار نمی آید لیکن بطور مستقیم در تفسیر قوانین دادرسی کیفری و تحول آن موثر می باشد» (آخوندی، ۱۳۸۲؛ ص ۹۶).

پ- دکترین یا عقیده علمای حقوق؛ یکی از منابع ارشادی حقوق جزا که در تحول و تکامل نظام حقوقی جامعه نقش عمده ای دارد، دکترین یا عقیده علمای حقوق می باشد، مقصود از دکترین تفسیر مواد قانونی و تجزیه و تحلیل آراء محاکم و رویه

¹Georgep.fletcher

قضایی و ارائه طریق برای آینده می باشد، مفسرین حقوقی اعم از قضات و اساتید و علمای حقوق از میان آراء حقوقی اصولی را که حاکم بر تصمیمات حقوقی است مورد انتقاد علمی قرار داده و با تشریح و تفسیر آنها راه کوتاهتر و بهتری را برای ایجاد یک رویه قضایی ثابت که متکی بر اصول منطقی و مسلم باشد عرضه می نماید.

« نظریات دانشمندانی چون مونتسکیو، ژان ژاک روسو و بکاریا موجب شد تا پس از انقلاب فرانسه، مجازاتهای متداول فعلی جایگزین کیفرهای وحشتناکی از قبیل داغ کردن، مثله کردن، به غل و زنجیر کشیدن و زنده در آتش سوزانیدن گردد » (گلدوزیان، ۱۳۷۶؛ ص ۱۴۳). از دیگر منابع ارشادی می توان به نظریه های مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه و بخش نامه های صادره از قوه مذکور اشاره کرد.

گفتار چهارم: حق دسترسی به وکیل در جرایم امنیتی

امروزه کمتر کشوری را می توان یافت که به طور کلی دسترسی به وکیل را در این دسته از جرایم ممنوع اعلام کرده باشد. با این حال، در گذشته های نه چندان دور بسیاری از کشورها حق دسترسی به وکیل را به طور مطلق محدود می کردند. تبصره ماده ۴۸ ق. آ. د. ک ۹۲ نیز پیش از اصلاحات ۹۴ ایجاد محدودیت زمانی در دسترسی به وکیل را پیشنهاد داده بود، این حق به اندازه ای بنیادین است که شرایطی بسیار استثنائی می توانند آن را دچار محدودیت سازند. در این باره، اصل ۷ اصول اساسی نقش وکلاء بیان می کند که امکان دسترسی به وکیل باید فوراً فراهم شود. امکان دسترسی به وکیل صرفاً در اوضاع و احوالی استثنائی که باید در قانون تعیین شده باشند به تأخیر می افتد. دسترسی فرد بازداشت شده به وکیل صرفاً «در شرایطی استثنائی» که در قانون یا مقررات قانونی مشخص شده اند و مقامات قضایی یا دیگر مسئولین این شرایط را به منظور تأمین امنیت و نظم عمومی ضروری بدانند باید محدود یا معلق شود (بند ۳ اصل ۱۸ از مجموعه اصول). حتی در این شرایط استثنائی نیز دسترسی به وکیل نباید برای مدتی طولانی به تأخیر یا تعویق افتد. گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد شکنجه چنین توصیه کرده است: «هر فرد دستگیر شده باید امکان دسترسی به وکیل قانونی را در زمانی که هنوز ۲۴ ساعت از زمان دستگیری سپری نشده داشته باشد. در هیچ مورد دسترسی به وکیل نباید بعد از ۴۸ ساعت از زمان بازداشت یا توقیف باشد (اصل ۷ اصول بنیادین نقش وکلاء)» (طه و اشرافی، ۱۳۸۶: ۶۲). همچنین، اصل ۱۵ از مجموعه اصول بیان می کند که در هیچ شرایطی فرد بازداشت شده نباید بیش از چند روز از دسترسی به وکیل محروم شود. سند مذکور تأخیر در دسترسی متهم به وکیل در مرحله پس از بازداشت را تنها برای مدت ۴۸ ساعت مجاز شناخته است (ماده ۷). بنابراین، به نظر می رسد این استثناء برای مقابله با جرایم خطرناک در نظر گرفته شده است؛ زیرا اگر قرار است از تأخیر ۴۸ ساعته سخن گفته شود و آن را اجرایی کرد، در مقایسه با جرایم عادی برای جرایم خطرناک توجیه پذیرتر است. افزون بر این، در قسمت سوم اصل ۱۸ از «مجموعه اصول حمایت از تمام افراد تحت هرگونه بازداشت یا زندان» چنین آمده است: «حق شخص بازداشتی یا زندانی برای داشتن ملاقات و تماس و مشاوره بدون تأخیر و سانسور [به رسمیت شناخته می شود] مگر در شرایطی استثنائی که در قانون یا مقررات قانونی مشخص شده باشند».

نتیجه گیری:

حق دسترسی و داشتن وکیل از تضمینات اساسی حقوق دفاعی متهم بوده و از جمله معیارهای اصلی و اساسی یک محاکمه منصفانه و عادلانه می‌باشد. قانونگذار در تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (اصلاحی ۱۳۹۴) گونه‌ای خاص از محدودیت در دسترسی آزادانه به وکیل را - محدودیت در تعیین وکیل خویش انتخاب - در جرایم امنیتی و سازمان‌یافته این بار نه به اعتبار مرتکبان جرم، بلکه به اعتبار گونه‌ای خاص از جرایم لحاظ کرده است؛ زیرا چنانکه گذشت، چنین محدودیتی تنها به تبصره اشاره شده ختم نمی‌شود و در ماده ۶۲۵ ق. آ. د. ک اصلاحی ۹۴ در ارتباط با نظامیان و پیش‌تر از این دو مقرر، در ارتباط با وکلای متهمان روحانی نیز چنین مفادی وجود دارد. اگرچه حق دسترسی به وکیل در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای متعددی به طور مطلق به رسمیت شناخته شده است، برخی کشورها از اعمال کامل آن عدول کرده‌اند. اگرچه رویه قضایی دادگاه اروپایی نشان می‌دهد که این دادگاه با اعمال ممنوعیت و محدودیت مطلق مخالف است، چنانچه امنیت جامعه و مصالح عمومی ایجاب کند، می‌توان به طور موردی و در مواقع اضطراری و با ملاحظه محتوای پرونده، این حق را محدود ساخت. البته نیک می‌دانیم که محدودسازی دسترسی به وکیل تنها از مسیر تصویب قوانین عبور نمی‌کند و اختیارات قضایی همچون گماردن وکیل تسخیری در شرایطی که متهم وکیلی را برگزیده، جلوگیری از دسترسی وکیل به اطلاعات پرونده، جلوگیری از ارتباط موکل و وکیل به طور کلی یا جلوگیری از ارتباط محرمانه و خصوصی بین آنها ابزارهایی هستند که در مواقعی برای محدود یا بی‌اثر کردن حضور وکلاء در جریان پرونده استفاده می‌شوند. به همین جهت است که در اسناد بین‌المللی، علاوه بر تصریح به اصل ضرورت حضور وکلاء در دادرسی، ضوابط دیگری نیز در این رابطه مقرر شده‌اند. برای مثال، بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، پس از تأکید بر حق داشتن وکیل، به صراحت از قید «به انتخاب خودش» استفاده کرده است تا بر حق استفاده متهم از وکیل انتخاب‌شده توسط خودش صحه بگذارد، اما با وجود این اصول، هنوز تا حد ممکن سعی می‌شود که حضور وکلاء در جرایم پراهمیت به حداقل رسانیده شود.

حتی کشورهایی که دسترسی به وکیل در مرحله پیش‌دادرسی را با محدودیت‌هایی مواجه می‌کنند، چنین محدودیت‌هایی را نسبت به «جرایم تروریستی» و کمتر برای جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی لحاظ کرده‌اند. این در حالی است که به موجب تبصره ماده ۴۸ (اصلاحی ۹۴)، برای تمامی جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و نیز جرایم سازمان‌یافته که مجازات آنها مشمول ماده ۳۰۲ ق. آ. د. ک. ۹۲ باشد این محدودیت لحاظ می‌شود. لازم به توضیح است که قید اخیر موجب نمی‌شود تا گستره اعمال این ماده تنها نسبت به آن دسته از جرایمی که برای آنها عنوان یا مجازات محاربه تعیین شده محدود شود؛ زیرا چه به لحاظ ادبی و قانون‌نگاری - به خاطر وجود قید همچنین - و چه به لحاظ فلسفه وضع ماده، عبارت «مجازات آنها مشمول ماده ۳۰۲ این قانون باشد» تنها به جرایم سازمان‌یافته بازمی‌گردد و نه جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور. این در حالی است که دادرسی منصفانه ایجاب می‌کند که این محدودیت‌ها تنها در ارتباط با «شدیدترین» جرایم، یعنی جرایم تروریستی، لحاظ شوند. اگرچه پیش از تصویب قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ تعریفی از تروریسم ارائه نشده بود، با تعریف «به ضابطه» در قانون مذکور، پسندیده است قانونگذار با اصلاح مقرر پیش‌گفته، این محدودیت را تنها نسبت به جرایم تروریستی - با فرض اینکه چنین محدودیتی را ضروری می‌داند - اعمال کند.

منابع:

- آخوندی، محمود. (۱۳۹۴). شناسای آیین دادرسی کیفری، جلد هفتم، تهران: دوران‌دیشان.
- خالقی، علی. (۱۳۹۵). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری. چاپ ششم، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- رستمی غازانی، امید. (۱۳۹۲). «حق برخورداری از وکیل در محاکمات کیفری بین‌المللی». مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۳
- ساقیان، محمدمهدی. (۱۳۹۳). «تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲». فصل‌نامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۶:
- سلیمیان، ابوالفضل و احمدیان، سعید. (۱۳۹۴). وکالت و حق داشتن وکیل در فرایند دادرسی. چاپ نخست، تهران، مجد.
- شاملو، باقر و کاظمی جویباری، مهدی. (۱۳۹۴). «پست‌مدرنیسم و بازاندیشی مفهوم جرم»، مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۲،
- مجیدی، سید محمود. (۱۳۸۴). «آیین دادرسی افتراقی ناظر به جرائم علیه امنیت در سیاست کیفری ایران و فرانسه». فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲۸،
- مهدوی‌پور، اعظم و شهرانی کرانی، نجمه. (۱۳۹۶). «تحدید تضمین‌های دادرسی عادلانه در پرتو جرم‌شناسی امنیت‌گرا، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۵). «آیین دادرسی کیفری: جدال قدرت-امنیت و حقوق-آزادی‌های فردی». در: آیین دادرسی کیفری: بنیان‌ها، چالش‌ها و راهکارها، چاپ نخست، تهران، انتشارات معاونت فرهنگی اجتماعی و دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی
- نیک‌خو، محمد. (۱۳۹۰). «حقوق کیفری امنیت‌مدار و جلوه‌های آن در حقوق ایران و آمریکا». پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه گیلان، دانشکده علوم انسانی.